

پژوهش کیفی^۱

نوشته‌ی: دکتر سید مهدی الوانی
استاد دانشگاه علامه طباطبایی



چکیده

یکی از مشکلات پژوهش در مقوله‌ی سازمان و مدیریت ناسازگاری موضوع تحلیل و ابزار تحلیل است. سال‌هاست محققان این رشته با استفاده از ابزارهای تحقیقی که خاص علوم طبیعی است به سراغ مسائل انسانی و سازمانی آمده و کوشیده‌اند تا این دو ناساز را همساز کنند که در این امر توفیقی حاصل نگردیده است. در این مقاله تلاش شده تا پژوهش کیفی به عنوان رویکردی مناسب تحقیق در مسائل سازمان و مدیریت معرفی و ویژگی‌های آن تشریح شود. ماهیت و سرشت پژوهش‌های کیفی، شیوه‌های گردآوری اطلاعات در این نوع پژوهش‌ها، دسته‌بندی پژوهش‌های کیفی و برخی مشکلات آن‌ها محورهای اصلی بحث در این مقاله را تشکیل می‌دهد. امید است طرح این موضوع آغازی

باشد برای بحث‌های اساسی‌تر در زمینه پژوهش‌های سازمانی و مدیریت.

غلبه‌ی دیدگاه اثبات‌گرائی^۱ و نگرش ریاضی و کمی در تحقیقات که ناشی از مدل‌برداری از پژوهش‌های تجربی علوم طبیعی است، مشکلاتی را در نتیجه‌گیری و استنتاج‌های پژوهش‌گران علوم انسانی و مدیریت به وجود آورده که امروزه مد نظر بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است. هایدگر^۲ با سلطه‌ی نگرش ریاضی مخالفت می‌کند و معتقد است به وسیله‌ی ریاضیات نمی‌توان کلیه‌ی وجوه چهره‌ی پدیده‌ها را شناسائی کرد (بزرگی، ص ۱۳۲). بر خلاف گذشته که روش علوم طبیعی مدل علوم اجتماعی تلقی می‌شد، اکنون علوم طبیعی هم علوم اجتماعی تلقی می‌شوند (همان، ص ۹). مشکل امروز تحقیقات مدیریت همان‌گونه که بولدینگ^۳ اشاره دارد عدم تطابق سطح تحلیل با سطح موضوع مورد تحلیل است. انسان و سازمان در سطوح هفتم و هشتم سیستم‌ها در طبقه‌بندی بولدینگ جای گرفته‌اند در حالی که روش‌های تحقیق مورد استفاده عموماً همان روش‌هایی است که برای تحقیق سطوح ابتدایی به کار می‌روند^۴. شیوه‌های کمی تمام مسائل و موضوعات را به مدد انگاره‌ها و مدل‌های کمی قابل تحلیل می‌دانند و می‌کوشند با یک سلسله مدل‌ها مسائل را تحلیل و بررسی کنند و صحت و سقم آن‌ها را معین سازند.

در پاسخ به این مشکل، پژوهش کیفی از سوی برخی از پژوهش‌گران مدیریت مطرح گردیده است که تا حدودی می‌تواند از کاستی‌های پژوهش‌های کمی جلوگیری نماید. پژوهش‌های کیفی از بسیاری جهات با تحقیقات کمی متفاوت می‌باشند. شاید عمده‌ترین وجه افتراق آن‌ها با تحقیقات کمی در آن است که دیدگاه و نظرات سوژه‌های مورد تحقیق دارای اهمیت خیلی بیشتری نسبت به نظر خود محقق است. در پژوهش‌های کیفی محقق نیست که بر محیط تحقیق

1- Positivism

2- Heidegger

3- Boulding

۴- بولدینگ ۹ سطح برای سیستم‌ها قائل شده که از سطح ساخت، سیستم‌های متحرک، سایبرنتیک، تک یاخته، گیاه، حیوان، انسان، نظام اجتماعی و سطح ناشناخته‌ها تشکیل شده است.

سلطه و اشراف تام دارد، بلکه محقق و مورد تحقیق هردو در کنار هم و با هم به شکافتن و تحلیل موضوع می‌پردازند و در یک گفت و گو^۱ هردو به کشف راه حل می‌کوشند. در پژوهش کیفی طرف مقابل را چون موضوع تحقیق تلقی نمی‌کنیم بلکه او را همتای خود می‌انگاریم و با هم به جست و جو و کاوش می‌پردازیم. در این توافق و تعاون هدف رسیدن به حقیقت است و هیچ یک از طرفین نمی‌خواهد بر دیگری غلبه کند. محقق و مورد تحقیق در یک فرایند مستمر و دائم از هم پرسش می‌کنند و به هم پاسخ می‌گویند و در این فرایند زاینده و پویاست که موضوع شکافته شده و کلیه زوایای پنهان آن آشکار می‌گردد.

در پژوهش‌های کیفی تحقیق عمدتاً با مصاحبه‌های آزاد و بدون ساختار و روش‌های مشاهده که محقق به صورت یک عضو در درون سازمان به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد، انجام می‌گیرد. محقق از جایگاه و مسند تماشاگری به جایگاه و مسند بازیگری تغییر مکان می‌دهد و با سوژه‌های تحقیق خود همراه و همگام می‌شود.

اسمیرسیچ^۲ (1983) در پژوهشی کیفی که در یک موسسه بزرگ بیمه به عمل آورد، مدت شش هفته به عنوان یک مشاهده‌گر در گروه مدیریت عالی سازمان به تحقیق پرداخت. او در این مدت به مشاهده رفتارهای مدیران در جلسات رسمی، ساعات استراحت، مکالمات تلفنی ... پرداخت. وی از تمام مشاهدات خود به‌طور روزانه یادداشت‌برداری کرد. در آخر این مدت او مصاحبه‌ای به صورت گفت‌وگوی آزاد با هر یک از ده مدیر عالی سازمان و مدیر عامل ترتیب داد. این گفت‌وگوها ضبط گردیدند و سپس براساس موضوع و عنوان که شناخت فرهنگ سازمان و مدیریت بود، طبقه‌بندی شدند. علاوه بر مصاحبه‌ها از سایر اطلاعات مکتوب موجود نیز برای آگاهی بیشتر استفاده گردید.

بررسی اسمیرسیچ شبیه کار مینزبرگ^۳ در مطالعه‌ی کار مدیران است. وی می‌نویسد:

”به مدت پنج هفته به مشاهده‌ی کار مدیران ۵ سازمان پرداختم. اطلاعات منظم و نامنظم فراوانی را جمع‌آوری نمودم. نامه‌هایی را که برای مدیران می‌رسید مطالعه کردم. مکالمات تلفنی آن‌ها را بررسی

1- Dialogue

2- Smircich

3- Mintzberg

نمودم ... و بدین ترتیب به این سؤال که کار مدیران واقعاً چیست پاسخ دادم.

(مینزبرگ، ۱۹۷۱)

ماهیت پژوهش کیفی

پژوهش کیفی یکی از بهترین شیوه‌های تحقیقی برای مطالعه‌ی پدیده‌های اجتماعی و انسانی است زیرا در این شیوه، محقق به‌طور ملموس و محسوس و واقعی مسائل را دریافته و آن‌ها را تحلیل می‌کند. در تحقیق اسمیرسیچ محقق خود را به عنوان یکی از اعضای سازمان قرار داد و از رفتارها و عملکردهای اعضای هیأت مدیره دیدگاه‌های آنان اطلاعات کامل و واقعی جمع‌آوری کرد. ارتباط محقق با موضوع تحقیق بسیار نزدیک بود و محقق خود را در مسائل سازمان شریک و سهیم می‌دید.

در این نوع پژوهش محقق بر تعبیر و تفسیرهای افراد مورد مطالعه تاکید داشته و به تشریح و تصویرکردن جزئیات امور می‌پردازد. در این فرایند طرفین موضوع تحقیق یعنی محقق و مورد تحقیق هیچ‌کدام نادیده گرفته نمی‌شوند. محقق جای مورد تحقیق را نمی‌گیرد و بر مسند او نمی‌نشیند و هم‌چنین مورد تحقیق را تحت سلطه خود قرار نمی‌دهد، بلکه در یک تفاهم به شناخت واقعیت می‌رسد. همان‌گونه که گادامر^۱ فیلسوف تأویل‌شناس (هرمنوتیکس^۲) می‌گوید: در این جا هیچ یک از طرفین مقهور دیگری نمی‌شود و گفت‌وگویی واقعی بین آنان درمی‌گیرد. این آگاهی یا تجربه‌ی تأویلی همان تجربه اصیلی است که یک فرد مجرب را از یک فرد جزیی متمایز می‌کند (بزرگی، ص ۱۴۱). بدین ترتیب محقق در رابطه‌ی نزدیک با موضوع تحقیق به درک کاملی از سازمان و مدیریت نایل می‌شود.

در پژوهش کیفی محقق بر فرایندهای کار نیز تاکید داشته و آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. اسمیرسیچ در مطالعه‌ی خود فرایند عملیاتی سازمان بیمه را مورد بررسی قرار داد و روشن ساخت که اجزاء عملیاتی آن چیستند؟ چه کسانی این اجزاء را انجام می‌دهند؟ افراد در مورد آن

1- Gadamer

2- Hermeneutics

چه گونه فکر می‌کنند، و چه گونه نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند؟ نتایج حاصل از این فرایند چیست و مشتریان چه نظری نسبت به این نتایج دارند؟

ویژگی دیگر پژوهش کیفی آزاد بودن و ساختار نایافتگی کار تحقیق است. اسمیرسیچ بدون آن که از جهت تئوریک دارای جهت‌گیری خاصی باشد و بدون آن که فرضیه‌ی خاصی را در ذهن خود شکل داده باشد وارد عرصه تحقیق می‌شود. جهت‌گیری چنین تحقیقی تا حدود زیادی بعد از آغاز تحقیق و زمانی که محقق با سازمان مراوده و تماس حاصل کرد به دست آمد. اسمیرسیچ پس از آغاز تحقیق دریافت که: اگر مدیر و رهبر سازمان میزان نفوذ و اثر خود را بر کارکنان و در سازمان بیابد به آسانی خواهد توانست سازمان را اداره کند. این فرضیه قبل از آن که کار تحقیق آغاز شود، به سبک و سیاق تحقیقات تقلیدی از علوم طبیعی، روشن نبود و تنها پس از پیشرفت کار تحقیق بود که فرضیه شکل گرفت و برای محقق مشخص شد.

عدم وجود ساختار و چارچوب‌های از قبل تنظیم شده در پژوهش کیفی نوعی انعطاف‌پذیری ایجاد می‌کند که دارای ارزش بسیاری است و یکی از مشخصات مثبت این گونه تحقیقات به‌شمار می‌آید. محقق آزادانه قادر است به نشانه‌ها و رخداد‌های اتفاقی توجه کند و این توجه آزاد، او را به مسیرهای جدیدی در تحقیق رهنمون می‌شود. در تحقیق پیش‌گفته، اسمیرسیچ در حین کار تحقیقی دریافت که وجودش در سازمان چندان خوشایند کارکنان و اعضاء سازمان نمی‌باشد و وقوف به این موضوع نکات تازه‌ای را برای وی روشن ساخت و شناخت بهتری از واکنش‌ها پیدا کرد که اگر این موضوع را درک نکرده بود، هیچ‌گاه آن مسائل برایش آشکار نمی‌شدند. عدم وجود ساختار در پژوهش کیفی مزیت دیگری که دارد این است که تصویر واقعی‌تری از سازمان به دست می‌دهد و از رفتارهای تصنعی که ناشی از ساختارمند بودن روش‌های تحقیق سنتی در سازمان است جلوگیری می‌کند. افراد در یک رابطه‌ی آزاد و منعطف با محقق ارتباط پیدا می‌کنند و در این ارتباط مسائل با سهولت و سادگی و شفافیت بیشتری برای محقق مشخص می‌گردند.

پژوهش کیفی عمدتاً از سه منبع اصلی اطلاعاتی تغذیه می‌شود: یک، اطلاعات حاصل از مشاهده‌ی دقیق و نزدیک، دوم مصاحبه و مکالمه و گفت‌وگو، و سوم مطالعه‌ی اسناد و مدارک و متون موجود در سازمان. این تنوع در منابع اطلاعاتی و ماهیت اطلاعات گردآوری شده

موجب می‌گردد تا مسائل و جنبه‌های مختلف سازمان به‌خوبی شناسایی شوند و هر شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات شیوه‌ی دیگر را ترمیم و تکمیل کند. به‌طور مثال، محقق مشاهدات خود را در مورد رفتارهای کارکنان به‌وسیله‌ی مصاحبه و گفت‌وگو با آنان مورد بررسی مجدد قرار می‌دهد و برای اطمینان از یافته‌ها از اسناد و مدارک نیز بهره می‌گیرد.

در پژوهش کیفی محقق می‌تواند هم‌چنان که تحقیق پیش می‌رود خود را به موضوع و بخش‌هایی که بیشتر مد نظر اوست نزدیک کند و از آن‌چه که کمک‌کننده نیست، دوری نماید. در تحقیقات کمی چارچوب‌های از قبل تعیین شده این امکان را از محقق سلب می‌کند. در پژوهش کیفی پژوهش‌گر با آزادی کامل وقت و نیروی خود را در موضوعاتی که در حین تحقیق مهم می‌باید صرف نموده و از مواردی که اهمیت چندانی ندارند، صرف‌نظر می‌کند.

در تحقیقات کمی، محقق اولویت‌ها و نظرات خود را مقدم بر نظر و اولویت‌های افراد مورد مطالعه دانسته و قبل از آن که تعابیر و تفاسیر آن‌ها را مد نظر قرار دهد، علائق و [دیدگاه‌های خود را نسبت به موضوع ملاک تحقیق قرار می‌دهد. اما در پژوهش کیفی، محقق] موضوعات را به‌طور مستمر از دیدگاه افراد بررسی می‌نماید و هیچ‌گاه نمی‌خواهد نظرات خود را بر آنان تحمیل کند. با ابزار پرسش‌نامه که متداول کار تحقیقات پیمایشی است محقق نظرات خود را در قالب سؤالات از قبل تعیین شده به طرف مقابل القا می‌کند، در حالی که در پژوهش کیفی با مصاحبه آزاد و گفتمان، محقق و طرف تحقیق بر هم اثر می‌گذارند و با هم در راه شناخت مسأله گام برمی‌دارند. در پژوهش کیفی محقق با مشاهدات تصادفی یا در برخورد با یک مسأله مکتوب ممکن است به نکاتی پی‌ببرد که روش‌های رسمی و از قبل برنامه‌ریزی شده قادر به تبیین آن‌ها نباشند.

در تحقیقات کمی پیش‌فرض محقق آن است که سازمان به مثابه‌ی یک جسم در مقابل او قرار دارد و او می‌تواند آن را هر طور که مایل است، مطالعه و بررسی کند. محقق به‌طور گزینشی یک یا چند جنبه را انتخاب کرده و در مورد آن‌ها به بررسی می‌پردازد. فی‌المثل محقق سازمان را از جهت تکنولوژی یا پیچیدگی مورد بررسی قرار می‌دهد و به‌طور تصنعی بخشی از آن را بدون ارتباط با محیط و سایر بخش‌ها به‌صورت یک جزیره مطالعه می‌کند. در صورتی که این رویکرد به سازمان واقع‌بینانه نبوده و سازمان را باید به عنوان پدیده‌ای زنده و پویا و در ارتباط با محیط

در نظر گرفت که به طور مستمر در حال تحول و تغییر و دگرگونی است و اگر با آن حرکت نشود او نمی‌ایستد تا به سادگی و سهولت مورد شناسایی قرار گیرد. سازمان به طور مستمر در تعامل با محیط بیرونی است و در پیش فرض‌های تحقیق نباید آن را مجزا از محیط در نظر گرفت. در پژوهش کیفی پژوهش‌گر با سازمان همراه می‌شود و در یک رابطه‌ی تعاملی آن را می‌شناسد. فاصله‌ی محقق و موضوع تحقیق در این‌گونه تحقیقات از میان می‌رود و این دو با هم می‌آمیزند و در این نزدیکی و عجین شدن است که شناختی واقعی حاصل می‌گردد.

شیوه‌های گردآوری اطلاعات در پژوهش کیفی

سه روش عمده‌ی گردآوری اطلاعات در پژوهش کیفی عبارتند از:

– مشاهده‌ی محقق به عنوان بازیگر و همکار در سازمان؛

– مصاحبه‌ی بدون ساختار و نامنظم به صورت یک گفت‌وگو؛

– مطالعه‌ی اسناد و مدارک و رویدادهای ثبت‌شده‌ی سازمان.

علاوه بر این سه روش اصلی محقق می‌تواند حسب نیاز از روش‌های دیگر نظیر مشاهده‌ی غیرعلنی (مشاهده‌ای که در آن مشاهده‌گر علناً به ثبت رویدادها نمی‌پردازد) و حتی پرسش‌نامه نیز استفاده کند.

در روش مشاهده‌ی بازیگرانه، پژوهش‌گر به اطلاعات دست اول دسترسی پیدا می‌کند و مسائل و موضوعات را از نزدیک تجربه می‌نماید. او افراد سازمان را در طول روز و در کارهایشان دنبال می‌کند و در هر لحظه همراه آن‌ها بوده و رفتارهایشان را مشاهده می‌نماید. در بحث‌ها شرکت می‌کند و مجادله و مباحثه و روابط افراد و اعضای سازمان با هم را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در یکی از تحقیقات کیفی (Rosen, 1986) محقق می‌نویسد:

من در جلسات آن‌ها شرکت می‌کردم. همه می‌دانستند من برای تحقیق به سازمان آمده‌ام و چیزی را از من پنهان نمی‌کردند. مدت زمانی که همراه آنان بودم به اندازه‌ای بود که می‌توانستم تمام رفتارهای طبیعی آن‌ها را مشاهده و ثبت کنم. در درازمدت افراد نمی‌توانستند رفتارهای

تصنعی از خود بروز دهند.

مصاحبه‌ی نامنظم و بدون ساختار شیوه‌ی دیگر گردآوری اطلاعات در پژوهش کیفی است که با مصاحبه‌های تحقیقات سنتی و پیمایشی متفاوت است. در تحقیقات سنتی، مصاحبه ساختار یافته، سؤالات از قبل معین شده‌اند و موضوع آن‌ها استاندارد است. در حالی که در پژوهش کیفی سؤالات باز و کاملاً منعطف‌اند و پرسش‌گر و پاسخ‌گو هردو با یک‌دیگر به نوعی به بحث و گفت‌وگو می‌پردازد. شاید اصطلاحات مصاحبت و گفت‌وگو برای بیان این شیوه مناسب‌تر از مصاحبه باشند. در گفت‌وگو صورت تنظیم شده‌ای برای محورهای بحث وجود ندارد و فقط با عنوان کردن موضوع بحث آغاز می‌شود. سؤالی کلی مطرح می‌گردد و در مورد آن هر نکته‌ای که به ذهن طرفین برسد می‌تواند موضوع بحث باشد. ممکن است این مباحثات، روزها به طول انجامد ولی نتایج حاصل از آن برای روشن شدن مسأله حائز اهمیت بسیار است. مراجعه به اسناد و مدارک راه دیگر جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش کیفی است. البته باید دانست که این اسناد و مدارک، اطلاعات منظم، پردازش شده و طبقه‌بندی گردیده برای تحقیق نیستند. ساتون در تحقیق کیفی خود که در مورد علل از میان رفتن چند سازمان بوده است، مدارک و اسناد مورد مراجعه‌اش را این‌طور توصیف می‌کند:

بودجه‌ی سازمان را مطالعه کردم، مکاتبات داخلی را خواندم، تحقیقاتی را که در مورد بازاریابی سازمان انجام گرفته بود مطالعه کردم، مطالبی را که روزنامه‌ها در مورد سازمان نوشته بودند بررسی کردم، به اسناد و مدارک مالی سازمان مراجعه نمودم و قراردادهای بین اتحادیه و سازمان را دقیقاً خواندم (Sutton, 1987).

بدین ترتیب مراجعه به اسناد و مدارک لزوماً به معنای استفاده از آمار و ارقام در سازمان نیست، بلکه کلیه‌ی مدارک و اسنادی که در سازمان تهیه شده و به‌نحوی وضعیت سازمان را تصویر می‌کند می‌تواند مورد توجه و استفاده محقق قرار گیرد.

دسته‌بندی تحقیقات کیفی براساس شیوه‌ی گردآوری اطلاعات

براساس انواع روش‌های گردآوری اطلاعات می‌توان تحقیقات کیفی را با توجه به میزان

مشکل ورود به سازمان - یکی از مشکلات محقق در این‌گونه تحقیقات ورود به سازمان مورد بررسی است. در اغلب تحقیقات کیفی، پژوهش‌گران از مشکلات ورود به سازمان برای مشاهده‌ی مستقیم، سخن گفته‌اند. در تحقیقی که جک آل (Jackall, 1983) در چهار شرکت امریکایی به عمل آورده است، خاطر نشان شده که وی پس از آن که ۳۶ شرکت از انجام تحقیق و ورود او به سازمان‌هایشان مخالفت به عمل آوردند موفق شد به این چهار شرکت وارد شده و کار تحقیق خود را به انجام رساند. مدیران و اغلب اعضای سازمان از این که محقق وارد سازمان آن‌ها شده و اطلاعات کاملی از رفتارها و اقدامات سازمانی آن‌ها به دست آورد چندان رضایتی ندارند. مسأله‌ی برملاشدن نقاط ضعف و مشکلات مدیریتی این مقاومت را تشدید می‌کند. برخی از محققان تحقیق کیفی بر این اعتقادند که برای تسهیل کار باید حتماً مدیریت عالی سازمان با انجام تحقیق موافقت داشته باشد تا بتوان اجازه‌ی ورود و مشاهده و بررسی سازمان را پیدا کرد.

مشکل تعبیر و تفسیر اطلاعات - در تحقیق کیفی محقق از دیدگاه اعضای سازمان به رخدادهای و وقایع سازمان می‌نگرد و در تعامل و مراوده‌ی ادراکی او و اعضای سازمان است که شناخت برای وی حاصل می‌گردد. در این فرایند ممکن است برداشت‌های محقق از گفته‌ها با آنچه که پاسخ‌دهندگان در نظر دارند یکی نباشد و این مسأله، صحت کار را دچار اشکال می‌سازد. در دو تحقیق کیفی که در یک سازمان معین انجام گرفت نتایج کاملاً متفاوتی به دست آمد. در تحقیق اول وجود هماهنگی و تعاون در سازمان تأیید شد و در تحقیق دوم تعارض و ناسازگاری ویژگی سازمانی قلمداد گردید. این تفاوت دال بر این بود که مشکل تعبیر و تفسیر اطلاعات و مسأله مفاهمه میان محقق و اعضای سازمان می‌تواند یکی از معضلات اساسی تحقیق کیفی به‌شمار آید.

برای غلبه‌ی بر این مشکل از روشی به نام "روائی پاسخ‌ها" استفاده می‌شود. در این روش پاسخ‌های افراد مجدداً با خود آن‌ها کنترل می‌شود تا اگر در برداشت‌ها اشکالی پیش آمده باشد رفع گردد. هم‌چنین با افزایش تعداد پاسخ‌دهندگان و بررسی عمیق‌تر در سازمان می‌توان این مشکل را به حداقل رساند.

مشکل حجم اطلاعات - یکی دیگر از مشکلات تحقیق کیفی حجم زیاد اطلاعات و پراکندگی آن است. از آن جایی که جمع آوری اطلاعات در این نوع تحقیق، ساختارمند و از قبل تعیین شده نیست، اطلاعات فراوانی جمع آوری می‌گردد و محقق پس از مدتی خود را در مقابل حجم عظیمی از اطلاعات مختلف می‌بیند که کار تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات را بسیار دشوار می‌سازد. به علت حجم وسیع اطلاعات، سنجش پایائی تحقیق نیز بسیار مشکل می‌باشد، زیرا در مجموعه‌ی بزرگ اطلاعات، کنترل مجدد و تکرار پرسش‌ها به‌طور مشابه با حالت اول تقریباً میسر نیست.

برای رفع این معضل برخی از محققان پژوهش کیفی پیشنهاد نموده‌اند که در ابتدا یک چارچوب نظری برای تحقیق طراحی شود و محقق موظف باشد که اطلاعات را در قالب آن چارچوب جمع آوری نماید، تا حتی المقدور اطلاعات اضافی به حیطه‌ی تحقیق وارد نشود. اما در عمل این شیوه چندان کارساز نبوده است، زیرا ماهیت تحقیق کیفی به‌گونه‌ای است که اطلاعات متفرق و گسسته زیادی را تولید می‌کند و محقق را دچار مشکل حجم عظیم اطلاعات و پیامدهای آن می‌سازد.

مشکل تعمیم پذیری - از جهت تعمیم نتایج تحقیق کیفی، ایرادی که به این شیوه‌ی تحقیق گرفته می‌شود مشابه ایرادی است که به مورد پژوهی وارد شده است. اما گذشته از این‌ها اصولاً در تحقیقاتی که ماهیت استقرائی دارند، محقق در هر تعدادی از آزمون که فرضیات خود را بیازماید، همواره این احتمال را می‌دهد که ممکن است در آزمون بعدی فرضیه‌ی او رد شود. در تحقیق کیفی نیز همین وضعیت وجود دارد که نمی‌توان آن را نقص خاص این شیوه دانست. از سوی دیگر برخی از محققان بر این عقیده‌اند که هر تحقیقی هدفی خاص را دنبال می‌کند و هدف تحقیق کیفی نیز یافتن و پرداختن تئوری یا نظریه‌سازی است و به‌هیچ‌رو تحقیق کیفی در پی آزمون تئوری‌ها نیست. بدین ترتیب با هدفی که برای تحقیق کیفی قائل می‌شویم نباید به آن ایراد بگیریم. دانش بشری بیشتر از آن که نیازمند آزمون نظریه‌ها باشد نیازمند پرداختن و ساختن نظریه‌هاست. کار آزمون نظریه‌ها کاری خلاق و بدیع نیست و عملی قابل برنامه‌ریزی و ضابطه‌مند است، در حالی که طراحی نظریه‌ها و تئوری‌سازی کاری اساسی‌تر و عمده در دنیای

علم محسوب می‌شود و نظریه‌پردازان نه به علت آزمودن تئوری‌هایشان بلکه به علت ابداع و خلق تئوری مورد احترام و ارزش بوده‌اند. بنابراین تحقیق کیفی از این جهت می‌تواند به عنوان یک شیوه‌ی ارزشمند به‌شمار آید.

گروهی دیگر از محققان، تحقیق کیفی و مورد پژوهی را به یک مورد خاص اطلاق نمی‌کنند، بلکه این گونه تحقیقات را به صورت یک سلسله و مجموعه از تحقیقات می‌بینند که نتایج حاصل از آن‌ها مانند سایر شیوه‌ها قابل تعمیم می‌باشد.

به‌مرحال پژوهش کیفی با وجود کاستی‌هایی که به آن نسبت می‌دهند، در شرایط متغیر و متحول امروز به علت انعطاف‌پذیری و سهولت تطبیق آن با شرایط، مورد اقبال فراوان محققان علوم انسانی و پژوهش‌گران سازمان و مدیریت قرار گرفته است و می‌توان پیش‌بینی نمود که در آینده نیز مورد کاربرد بسیار قرار گیرد.

منابع و ماخذ

Bryman, Alan. Research Methods and organization studies, London:

Routledge 1995.

Mintzberg, H. "Managerial Work: Analysis from Observation." Management

Science Oct. 1971.

بزرگی، وحید، دیدگاه‌های جدید در روابط بین‌المللی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.

پدیدار، فرهاد، پژوهشی در زمینه شوراهاى اسلامى کار، تهران: رساله‌ی دکترای مدیریت،

۱۳۷۳.